سیاست راه‏بردی حاکمیت ایران‏ در تحولات منطقه‏یی و بین المللی‏ و مشکل انرژی هسته‏یی

سرلشگر ناصر فربد

پایان دوران جنگ سرد بویژه فروپاشی(شوروی)افق‏های‏ نوینی را برای خودگرانی ملت‏های رها شده از بند دخالت و رقابت‏های‏ قطب‏های سر برآورده‏ی پس از جنگ جهانی دوم و فراهم آورد.

کشور ما نیز که سال‏ها کانون این‏گونه تعارضات بود در شرایط به وجود آمده پس از انقلاب(22 بهمن 1357)فرصتی یافت تا آزادی، استقلال و هویت ملی خود را به دست آورد و با تدوین تغییرات اساسی‏ در سیاست داخلی و خارجی زمینه‏های شایسته‏ی تاریخی کشور را فراهم سازد.

تصور چنین تحولی ابتدا تلقی خوش‏بینانه‏یی را در تفکر روشن‏بینان کشور به وجود آورد،ولی به تدریج امید به صحت حرکت‏ تاریخی ایران در اذهان روشن‏بینان به تردید گرایید.زیرا جنبش ملی و انقلابی کشور،با تفرقه‏ی نیروهای بارز اجتماعی،فرصت‏های مناسب‏ به منظور توافق اصولی در راه اداره کردن دموکراتیک جامعه را از دست‏ داد و فشار حاصله از تحمیل یک بعدی جناحی از سایر ابعاد فرهنگی و هویت ملی،جامعیت انقلاب را از محتوای مترقی‏اش تهی ساخت، بازخیزی ملی که در ابتدا اسطوره‏یی برای جهانیان مطرح ساخت،از بدایت با درایت هم‏گام نگردید و به زودی عدالت‏خواهی به‏ عداوت‏جویی،وحدت به تفرقه،واقع‏نگری به شعارپراکنی گرایید و بی‏شمار مردمی که با امید و عمل آن حماسه‏ی تاریخی را به وجود آورده‏ بودند به جدایی و هجرت مبتلا شدند و پیوند اکثریت دست خوش‏ بینادها و گروه‏هایی گردید که با همه‏ی ارزش‏های می‏ستیزیدند و با ارعاب و خشونت پایگاه‏های خود را برای تحصیل قدرت و امتیاز مستحکم می‏ساختند و به زودی تحقق آزادی منکوب شیوه‏های‏ قدرت‏نمایی شد و شور انقلابی از مسیر خود منحرف گردید و به جنگ‏ و ستیز و گروه‏گرایی کشیده شد و استقرار جامعه‏ی مدنی به نظامی‏ یکه‏تاز مبتلا گردید.

به تدریج ملاحظه شد که انتظار فرایند استراتژی کارآمد ملی‏ وسیله‏ی سیاست‏گزاران حاکمیت که غالبا ضعف کارایی داشتند به کلی‏ ناکارآمد ماند و عناصری از حاکمیت به منظور سرپوشی کاستی‏ها با هیاهو و تبلیغ گسترده،تهدیدهای فرضی دشمنان خارجی را دستاویز ندانم کاری‏ها قرار دادند و بدین ترتیب کشور به گونه‏ییی مستمر دچار جهت‏گیری‏های غیرمتعارف گردید و در انزوا قرار گرفت،در صورتی که‏ همواره زمینه‏های مقتضی برای سازندگی معقول و گسترش روابط منطقی بین المللی و منطقه‏یی آگاهانه فراهم می‏بود.

هم‏اکنون نیز استراتژی حاکمیت در روابط سیاسی از کشورهای‏ منطقه‏یی و غربی بدون دلیل موجه،خصمانه نگهداشته شده است و از این بابت فشارهای فراوانی به ملت ایران که بنابر سنّت تاریخی خواستار روابط حسنه و معقول با جهانیان می‏باشند،تحمیل می‏شود.تا جایی که‏ این روزها دست‏آورد علمی انرژی صلح‏آمیز هسته‏یی که حق مشروع‏ و طبیعی ملت ایران می‏باشد و تاکنونی هیچ ایرانی در داخل و خارج‏ کشور رأی و نظر مخالغ با آن اعلام نداشته است،بنابر رأی قاطع‏ (شورای حکام)32 عضو از 35 نماینده‏ی اعضای شورا گزارش پرونده‏ به شورای امنیت مورد موافقت قرار گرفت و به نظر قاطبه‏ی مقامات‏ رسمی کشورهای غربی،حاکمیت ایران در سال‏های متمادی(بدون‏ آن که با در اختیار داشتن انبوهی فسیلی نیازی ضروری به‏ چنین تلاش پر هزینه‏یی آن هم به صورت پنهانی در سالیان دراز داشته‏ باشد.)به قصد دست‏یابی به وسائل و روند تولید انرژی هسته‏یی صرفا به منظور حصول سلاح هسته‏یی در سازمان‏های نظامی اقدام کرده‏ است که بدون آگاهی ملت ایران و حتا سازمان آژانس بین المللی انرژی‏ اتمی ادامه داشته است.البته دولت و ملت ایران بر صلح‏آمیز بودن‏ مقاصد خود تاکید دارد و باید خاطرنشان ساخت پس ازجنگ جهانی‏ دوم که امریکا به گونه‏یی غافلگیرانه به صورت یک جانبه کشور ژاپن را به خاطر مختومه ساختن جنگ با سلاح اتمی بمباران نمود،از آن پس‏ سلاح اتمی در کشورهایی تولید گردید که با توجه به قدرت عظیم‏ تخریبی آن به صورت نیرویی(بازدارنده)از بروز و ادامه جنگ بین‏ آنان جلوگیری نماید.چنان که جنگ جهانی سوم بین بلوک شرق و غرب(امریکا و شوروی)و جنگ سوم منطقه‏یی میان هند و پاکستان‏ با اختلاف شدید بنیادی صورت نپذیرفت و آنان نیات خود را با ترفندهای دیگر فیصله داده‏اند.

هم‏چنین رژیم قدرت‏طلب و غیرمسوول به روابط بین المللی‏ (صدام حسین)(پس از سقوط رژیم پهلوی که امنیت منطقه‏ی‏ خلیج‏فارسی را با پشتیبانی غرب مقتدرانه و صلح‏جویانه به عهد داشت) قصد تسلط بر منطقه را با تقویت نیروهای نظامی وسیله‏ی سلاح‏ هسته‏یی در دست اقدام داشت که با تجویز مقامات آگاه بین المللی‏ وسیله‏ی نیروی هوایی اسراییل منهدم گردید.

-به یقین مخالفت غرب ناشی از آن است که حاکمیت ایران‏ به گونه‏یی روزمره مرگ امریکا را طلب می‏کند و در گذشته بی‏اعتنا به‏ روابط متعارف بین المللی،سفارت‏خانه‏های دول خارجی را اشغال و تهدید به تخریب و تجاوز نموده و با صراحت،حذف اسراییل را از جغرافیای منطقه اعلام کرده:لذا غرب هراس دارد که چنین کشوری به‏ سلاح اتمی مجهز گردد.

در خاتمه نگارنده با شناخت گسترده‏یی که از انگیزه و روند تاریخی‏ نهضت ملی شدن نفت دارد با توجه به تحلیل بالا تشابه بحران انرژی‏ هسته‏یی را با نهضت ملی شدن،غیرمتناسب و بی‏پایه می‏داند.